

نگاهی گذرا به جریان سلفی تکفیری داعش (قسمت دوم)

مدخل

در قسمت اول با مبحث مسئله شناسی گفته شد سلفی گری که با ایده احیا و بازگشت به صدر اسلام پا به عرصه حیات گذشت در دوره مدرنیته با سرعتی جهش وار و افراطی با توجه به تحولات منطقه ایی در خاور میانه با رویکرد دگر سازی با دو پایه برون دینی «تجدد» و درون دینی «تشیع» شکل گرفت و با توجه به خلا معرفتی که از زایش این نوع تفکر به طور کلی در منطقه وجود دارد بستری مناسب برای بهره برداری نظام سلطه ایجاد نمود تا با بهره گیری از ضعف حاکمیتی در برخی از کشورهای منطقه همچون عربستان سعودی با همکاری ترکیه، قطر، امارات و... در جهت تأمین منافع خود و بازسازی موقعیت‌های از دست رفته از این نوع تفکرات با تشدید منازعات قومی و گسست های فرقه ایی و ایجاد جریان‌های سیاسی با پشتوانه نظامی از طریق فرقه‌گرایی، عشیره گرایی، تنازع مذهبی، نارضایتی مردم و نیز دخالت کشورهای مختلف، بستری مساعدی برای استقرار و فعالیت گروه‌های تروریستی که تحت حمایت کشورهای مؤثر عربی و با رویکرد سلفی - تکفیری هستند، فراهم نمایند. این کشورها ، با بهره‌گیری از موقعیت مذهبی و نیز امکانات مادی، اقدام به عضوگیری و بحران‌سازی در سوریه و عراق می کنند .

شکل‌گیری گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) برپایه آنچه گفته شد و با بهره‌گیری از تجارب فعالیت گروه‌های طالبان و القاعده و مشی و منش سلفی - تکفیری و با هدف تشکیل حکومت و استقرار آن (و نه محدود به حکومت‌های ایدایی و تروریستی)، محصول چنین شرایطی است.

۲- تبارشناسی

صفت «تکفیری» به فرد یا جریانی اطلاق می‌شود که دیگران را کافر و متهم به ارتداد می‌کند. این واژه که در ادبیات سیاسی برای توصیف گروه‌های اسلامی رادیکال، افراطی و تروریستی اهل سنت بکار گرفته می‌شود برخاسته از قرائت‌های مختلف سلفی و وهابی است که مسلمانان را تنها به سبب آن که با آنان هم‌عقیده نیستند (برخلاف معیارهای شرعی شناخته شده) به کفر و خروج از دین متهم می‌کنند. کافر خواندن مسلمانان و یا اصولاً مذاهب اسلامی، پیامدها و واکنش‌های عملی مهمی در جوامع اسلامی دارد. بی‌گمان، در پس بسیاری از اقدامات تروریستی در کشورهای اسلامی فتاوای تکفیری قرار دارد. در طول تاریخ اسلام، شاهدیم که یکی از زمینه های تکفیر، پیدایش و تطور مکاتب نص گرا / ظاهرگرا است که برخی مسلمانان را دچار تعصب ناروا و عشق و علاقه کورکورانه کرد. سلفی‌گری تکفیری که پدیده ای سخت و خشونت گرا است، از دل همین جنبش‌های ظاهرگرا برخاسته است و مدعی انحصارطلبانه مسلمانی بوده و جز خود، همه را مشرک می‌خواند.

امروزه مهم‌ترین و مؤثرترین مبنای کلامی سلفیان جدید، الهام گرفتن از سلفیان گذشته و توسعه معنایی و مصداقی کفر است. آنها به اندازه‌ای دایره کفر را گسترده‌اند که هر کسی غیر از خودشان را در بر می‌گیرد. علت و منشأ این اختلاف نظر می‌تواند بعنوان مرحله نخست در سیر تحول تاریخی بحث توحید و شرک و بدعت طرح شود که برای روشننگری، گزارش کوتاهی از پیدایش تفکر تکفیر تا کنون در زیر ارائه می‌شود:

احمد بن حنبل (۱۶۴-۲۴۱): مرحله اول؛ دوره تکوین

دوره نخستین ظهور اسلام دوگرایش «اصحاب اثر» که درکنار حدیث و سنت افعال و (بطور نسبی رأی و استنباط)، آثار صحابه را نیز به عنوان منبع فهم اسلام می‌دانستند، و عقل‌گرایان «اصحاب رأی» که درکنار

احادیث معتبر و ثابت، مروج کاربرد موسع رأی در استنباط فقهی بودند، در تقابل هم قرار داشتند. با ظهور شافعی و گرایش به وجود کثرت احادیث منقول از پیامبر اکرم(ص) و امکان دسترسی به آن و مضیق کردن مفهوم سنت به قول، فعل و تقریر پیامبر(ص) این جریان به اصحاب حدیث مشهور شد و این تفکر در آثار احمد ابن حنبل تبلور یافت و در تقابل با تفکر معتزله و اشاعره تا قرن هشتم ادامه داشت.

ابوعبدالله احمد بن محمد بن حنبل، با ایجاد شیوه نص‌گرایی و ظاهرگرایی و نوعی اخباری‌گری افراطی، سبب شد که برخی متفکران حنبلی تفاوت میان اعمال مسلمین و اعمال مشرکین جاهلی را درک نکرده و فقط با توجه به ظاهر، اعمال مسلمین را از مصادیق شرک خوانده و در نتیجه، سبب پیدایی یک تعریف از شرک شوند که دایره شمول آن بسیاری از اعمال مسلمین را در برگیرد.

این نهضت فکری به همین‌جا پایان نیافت. نغمه‌های شوم اندیشه‌های نو پدید خشونت‌بار در باب توحید و شرک در کشتزاری که احمد بن حنبل دانه‌های آن را پاشیده بود از سده چهارم، رو به جوانه‌زدن کرد. با ظهور ابومجد بر بهاری (۳۲۹-۳۳۳) نخستین‌بار تحرکات درباره تخطئه اعمال مسلمانان درباره اولیاء خدا پس از مرگ، آغاز می‌شود. وی عزاداری‌ها و روضه‌خوانی‌ها و مرثیه‌سرایی‌ها را به شدت انکار و تخطئه کرد و حتی از کشتن مرتکبان آن اعمال، خودداری نکرد.

ابن تیمیه (۷۲۸-۶۶۱) مرحله دوم؛ دوره تکامل

احمد بن عبدالحلیم ابن عبدالسلام ابن تیمیه حرانی مشهور به ابن تیمیه از بزرگترین و معروف‌ترین علمای حنبلی در قرن هفتم و هشتم ه.ق است. وی که از اخلاف سخت‌گیر و چالش برانگیز سلفیان است را، می‌توان نظریه‌پرداز و تحلیل‌گر و کامل‌کننده یک جریان فکری در باب توحید و شرک دانست که به مخالفت با مذاهب و اعتقادات رایج مسلمانان عصر خود پرداخت و بسیاری از افراد و گروه‌ها و مذاهب آن زمان را تکفیر کرد. او به صراحت درباره توحید و شرک، تحلیلی ارائه داد که در آن تفکیک بین توحید ربوبی و توحید عبادی به طور کامل صورت گرفت و چنین ابراز شد که هیچ‌گونه تلازمی بین اعتقاد به ربوبیت یا خالقیت با تحقق عبادت نیست.

ابن تیمیه فهم سلف را برتر، و بر فهم خلف ترجیح داد و فتاوی او با هیچ یک از مذاهب حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی مطابقت نداشت. وی که خود از اصحاب حدیث بود، به نقد تفکر اشاعره که عقل را به خدمت اصحاب حدیث آورده بودند پرداخت و نظریه بازگشت به دوران سلف را مطرح کرد و مکتب سلفیه برپایه این اندیشه بنیان نهاده شد.

ابن قیم جوزیه (۷۵۱-۶۹۱) مرحله سوم؛ دوره تنظیم

مجد ابن ابی بکر ابن ایوب دمشقی معروف به ابن قیم از ملازمان ابن تیمیه و مروجان سرسخت عقاید وی بوده و نظرات ابن تیمیه را ضابطه‌مند کرد و ساختار بخشید. ابن قیم جوزیه به پیروی از ابن تیمیه، سرسختانه با علوم عقلی و فلسفی به مخالفت برخاست و قائلین به وحدت وجود، از جمله ابن عربی را تکفیر کرد. به گواه تاریخ از قرن هشتم تا قرن ۱۲، تفکر ابن تیمیه به افول رفته است. هرچند در این سال‌ها گروهی سعی در احیاء و تبیین آثار و افکار ابن تیمیه داشتند که در میان آنها مجد بن حیاة السندی و عبدالله بن ابراهیم نجدی از استادان مجد بن عبدالوهاب را می‌توان نام برد.

مجد بن عبدالوهاب (۱۱۱۱-۱۲۰۶): مرحله چهارم؛ دوره تظاهر

قرن دوازدهم شاهد تظاهر عملی و افراطی یک جریان فکری طغیان‌گر بود که ۱۱ قرن در زمینه فکری حنبلیان مخفیانه ریشه دوانیده بود. مجد بن عبدالوهاب را می‌باید مجری طرح‌های پیشینیان نامید. از نظر

وی که پیرو و مبلغ اندیشه‌های ابن تیمیه و مجدد نظریه تکفیر است، شرک مسلمانان که مرتکب اعمال به تعبیر وی شرک‌آمیز می‌شوند بسیار اشد و مهم تر از شرک مشرکین دوران جاهلیت است.

ابن عبدالوهاب از راه پیوستن به حاکم محلی درعیه (مجدبن سعود) و تحریک او برای تکفیر و قتل مسلمانان، موجبات دل‌آزردگی بسیاری از مسلمانان در شهرهای مختلف حجاز و عراق و ایران و شامات و هندوستان شد و تفرق و تشتت را حاکم کرد. در حمله‌های ویرانگر پیروان مجد بن عبدالوهاب به شهرهای مکه، مدینه، کربلا، نجف و طائف، عالمان بسیاری کشته شدند و مقبره‌های امامان و اولیا و صحابیان ویران شد. تفکر ابن عبدالوهاب در میان برخی از متفکران معاصر و جنبش‌های اسلامی مقبول افتاد و براساس اندیشه و آراء وی و ابن تیمیه و حمایت انگلستان فرقه وهابیت شکل گرفت.

سلفیان معاصر: مرحله پنجم؛ دوره تکفیر

به دنبال فتح کامل سرزمین عربستان توسط عبدالعزیز معروف به ابن سعود (۱۳۱۹ق تا ۱۳۵۱ق)، یک رژیم سیاسی مبتنی بر نظام پادشاهی در قالب قبیله‌ای و با تکیه بر اصول وهابیت در سرزمین حجاز استقرار یافت. ابن‌سعود برای توسعه و تثبیت نیروی خود به ایجاد آبادی‌های وهابی دست زد و ساکنان آنها را که در حقیقت سازمان دینی - نظامی وهابیان بود، اخوان‌التوحید یا برادران یکتاپرستی نامید و این حرکت را برای از بین بردن مظاهر شرک و آنچه بدعت در دین بود، توصیف کرد و معنای بدعت را بسیار توسعه داد.

حساسیت جدی سیاست‌گزاران سعودی در اجرای فرامین وهابیت باعث شد که این حرکت به صورت یک جنبش سلفی اصلاحی همراه با مدافعان عربی این تفکر در جهان اسلام (مانند محب‌الدین خطیب، محمود شکر آلوسی، مجد رشید رضا) شناخته شود. از سوی دیگر هجوم گسترده استعمار غربی به جهان اسلام و انحطاط و عقب‌ماندگی داخلی مسلمانان برخی از اقشار گوناگون جوامع مسلمان را به واکنش واداشت. آنان رهبران کنونی جهان اسلام را به دلیل تمکین در برابر صلیبیان، کمونیست‌ها یا صهیونیست‌ها مرتد دانسته و جاهلیت دنیوی و نوین آنان را خطرناک‌تر از جاهلیت پیش از اسلام می‌خوانند. آنان تکفیر را همان نامشروع خواندن تبعیت از حاکمان و تعیین «کافران داخلی» به عنوان اولین هدف جهادی که طاغوت را از میان برمی‌دارد، تعریف می‌کنند. ایده تکفیر در اندیشه گروه‌های سلفی که عقاید ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب را بازتاب می‌دهند، مفهومی بسیار مهمی است.

ادامه دارد....